

# اعدام برای مردی که 7 سال دخترخوانده نوجوانش را آزار داد

4 مرداد 1402

**مرد جوان که ۷ سال دخترخوانده نوجوانش را شکنجه کرده و آزار داده بود با حکم قضایی به اعدام محکوم شد.**

رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل با شکایت زن جوانی آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی رفته بود از همسرش رامین شکایت کرد و در تشریح شکایتش گفت: سال‌ها قبل با مردی به نام رضا ازدواج کردم و صاحب یک دختر به نام رها شدم، اما وقتی دخترم 4 ساله بود شوهرم به خاطر تصادف رانندگی فوت شد.

من کار می‌کردم تا زندگی خودم و دخترم را تأمین کنم تا اینکه مدتی بعد برادرشوهرم به نام رامین به خواستگاری ام آمد و من به خاطر دخترم و آینده او با رامین ازدواج کردم.

آن زمان رها 4 ساله بود و آنها رابطه خوبی با هم داشتند. ما در خانه‌مان زندگی خوبی داشتیم اما وقتی دخترم به سن بلوغ رسید، رفتارهایش عوض شد.

او گاهی بشدت گوشه‌گیر و گاهی بشدت پرخاشگر بود و من فکر می‌کردم این موضوع به خاطر بحران بلوغ او است، به همین دلیل زیاد به رفتارهایش اهمیتی نمی‌دادم، اما بعد از مدتی متوجه شدم رابطه او با پدرخوانده‌اش بد شده است و اصلاً نمی‌خواهد با او در خانه تنها بماند.

احساس می‌کردم رها، از پدرخوانده‌اش وحشت دارد به همین خاطر چند بار با دخترم صحبت کردم و متوجه نفرت شدید او از شوهرم شدم.

این زن در حالی که اشک می‌ریخت، ادامه داد: حالا دخترم 17 سال دارد و من اخیراً متوجه ماجرای تکان‌دهنده‌ای شده‌ام. وقتی پیگیر رفتارهای عجیب دخترم شدم و از یک روانشناس کمک گرفتم، رها سکوت 7 ساله‌اش را شکست و گفت در غیاب من، پدرخوانده‌اش بارها او را آزار داده است. حالا وضعیت روحی دخترم به هم ریخته است و آمده‌ام تا از شوهرم شکایت کنم.

## بازداشت ناپدری شیطان‌صفت

با این شکایت، رامین ۴۳ ساله بازداشت و منکر آزار رها شد، اما متهم در بازجویی‌های بعدی لب به اعتراف گشود و گفت: آزار و اذیت دخترخوانده‌ام را قبول دارم و حالا دچار عذاب وجدان شده‌ام. او راست می‌گوید و پشیمان هستم.

## در دادگاه

با اعترافات مرد آزارگر، برای وی کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به جرم آن رسیدگی شود. در جلسه دادگاه مادر رها روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: فقط برای اینکه دخترم در امنیت باشد و مشکلی برایش ایجاد نشود، قبول کردم با برادر شوهر سابقم ازدواج کنم، اما رامین به ما خیانت کرد و در غیاب من، دخترم را آزار داد.

همان سال‌های اول که متوجه شدم رابطه رها با رامین بد شده گمان می‌کردم چون رامین جای پدر رها را گرفته است دخترم نسبت به او احساس خوبی ندارد، اما وقتی پرخاشگری و کابوس‌های شبانه دخترم شروع شد، متوجه شدم ماجرا جدی‌تر است. خیلی با دخترم صحبت کردم تا به حقیقت پی بردم. حالا هم با اینکه سال‌هاست با رامین ازدواج کرده‌ام و حتی یک فرزند مشترک داریم، برایش اشد مجازات می‌خواهم. سپس رها که حالا ۱۷ سال دارد روبه‌روی قضات ایستاد و به تشریح ماجرای تکان‌دهنده پرداخت.

## 7 سال آزار و شکنجه در غیاب مادر

این دختر گفت: پدرخوانده‌ام از ۹ تا ۱۶ سالگی مرا آزار داد و شکنجه کرد. ابتدا خیلی کوچک بودم و از او می‌ترسیدم.

او همیشه در غیاب مادرم مرا به اتاق می‌برد و فیلم‌های مستهجن به من نشان می‌داد. مرا شکنجه می‌کرد و آزار می‌داد.

من از ترسم سکوت می‌کردم و جرأت نداشتم به کسی حرفی بزنم. دختر نوجوان در حالی که اشک می‌ریخت، ادامه داد: ۷ سال شکنجه ناپدری‌ام باعث شد به [افسردگی](#) مبتلا شوم و شب‌ها کابوس ببینم.

از اینکه با پدرخوانده‌ام در خانه تنها باشم وحشت داشتم، به همین خاطر مادرم به ماجرا پی برد. من حالا تحت درمان روانشناس قرار دارم و هنوز به زندگی عادی برگشته‌ام. برای پدرخوانده‌ام اشد مجازات می‌خواهم چون او زندگی‌ام را تباه کرد.

مرکز مشاوره  
**حال خوب**  
بلامچوز سازمان نظام روانشناسی ایران  
ازدواج ، خانواده  
دکتر کبری درویش پیشه  
تلفنی و حضوری  
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

## انکار آزار سیاه در دادگاه

سپس رامین روبه‌روی قضات ایستاد و اتهامش را پذیرفت.  
وی گفت:رها را مانند دخترم دوست دارم و هرگز راضی به آزار و شکنجه او نبوده‌ام.

من به بیماری اعصاب و روان مبتلا هستم و تحت‌تأثیر بیماری روانی دست به چنین کاری زده‌ام. من پشیمانم و تقاضای بخشش دارم.  
در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و با توجه به نظر پزشکی قانونی که سلامت روان این مرد را تأیید کرده بود، وی را به اعدام محکوم کرد.

## گفت‌وگو با متهم

چند سال است ازدواج کرده‌ای؟  
12 سال.

شغلت چیست؟

شغلم آزاد است و درآمد خوبی دارم.

رها چند ساله بود که با مادرش ازدواج کردی؟

رها 4 ساله بود که با مادرش ازدواج کردم. در این سال‌ها برای او مثل پدر بودم.

**پس چرا او را آزار می‌دادی؟**

من او را آزار ندادم، بیمار روانی هستم و اختیاری بر رفتارم ندارم. من دخترخوانده‌ام را دوست دارم.

**پس چرا پزشکی قانونی سلامت روانی‌ات را تأیید کرده است؟**

اصلاً به پزشکی قانونی معرفی نشدم.

**خودت هم فرزند داری؟**

من و مادر رها یک پسر مشترک داریم که حالا 7 سال دارد.

**اگر متوجه شوی یک نفر پسرت را آزار داده است چکار می‌کنی؟**

نمی‌دانم.

\*منبع: خبرفوری